

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مبیاد بدین بوم و بر زنده یک تن مبیاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyres

جانبازان

داکتر عبدالحنان روستایی
المان، 12 سپتمبر 2008

"عبدالله" جانبازی جاودان

"از خود گذری" و "جان نثاری" صفات برازنده افغانستان، مخصوصاً که وطن شان مور تهاجم بیگانه قرار بگیرد و استقلال شان با خطر تهدید گردد. این حقیقت در تاریخ این سرزمین بارها به اثبات رسیده، چنانکه در جنگ اخیر با متجاوزین روسی ابعاد تازه و گسترده تر بخود گرفته و متجلی تر از پیش نمایان شد و اینک در جنگ با امریکا و ناتو بار دیگر طغیان کرده است. عشق به آزادی و میهن و سلحشوری که ممیزه افغانستان، امریکا و ناتو را چنان درپجال کرده که سر قوماندان اعلاى قوای امریکا در جولای 2008 طی مصاحبه ای گفت که: "برای آرام کردن افغانستان به 400 هزار عسکر و مقادیر بسیار زیاد اسلحه و مهمات نیاز است." سوال در اینجاست که چرا استعمار شرق نتوانست بر سرزمین افغانها چیره گردد و چرا اینک استعمار غرب نیز نمی تواند در این سرزمین موفقیتی حاصل نماید و هر روز در منجلاب افغانستان فرو و فروتر میرود.

بر همگان معلوم است که امریکا و انگلستان با طالبان از سالها به این طرف روابط دوستانه دارند. چنانکه روزنامه "امید وطن - افغانستان" به تاریخ 4 اگست 2008 چنین نوشت: "براساس گزارش منابع محلی 2 فروند هلی کوپتر لوجستکی قوای هوایی انگلیس هفته گذشته نیمه های شب در ولسوالی گرمسیر در منطقه تحت کنترل طالبان با چراغ های خاموش به زمین نشسته و بعد از توقف نیم ساعته به پرواز در آمده و به سمت قندهار رفتند. این هلی کوپترها هنگام توقف در گرمسیر 1200 صندوق مرمی کلاشینکف و 600 فیر آر پی جی هفت و صدها صندوق مرمی پی کا و دهها بسته لباس و پتو به طالبان در این ولسوالی دادند." اگر انگلیس ها در عقب جبهه به طالبان پول و سلاح می رسانند، امریکا آنها را در دولت کرزی شامل کرده و کمک های رنگارنگ می کند و در معاملات مواد مخدر این هر سه با هم شریک اند.

واقعیت اینست که جنگ امریکا و ناتو با طالب و ترور نبوده، بلکه با مردم افغانستان است. چنانکه بنا بر قول تلویزیون آریانای کابل مؤرخ 22 اگست 2008 تنها در در منطقه "عزیز آباد" ولسوالی شیندند ولایت هرات، بر اثر بمباران امریکا در ظرف یکی دو ساعت، 91 نفر غیر نظامی که اکثر آنها را اطفال و زنان تشکیل می دادند، به قتل رسیدند. امریکا و ناتو همه روزه به قتل مردم می پردازند. از آغاز حمله امریکا تا حال هزاران نفر از غیر نظامیان توسط نیرو های امریکا و ناتو به هلاکت رسیده اند.

و اما مردم:

مردم بدون کوچکترین هراسی از ماشین غولپیکر نظامی امریکا و ناتو با دادن قربانی به دشمن تا دندان مسلح، هجوم برده و حماسه می آفرینند. این شهامت عظیم را مردم افغانستان نه تنها در جنگ با امریکا و روس نشان داده اند، بلکه در مقابل انگلیس ها هم، چنین جان نثاری را نشان داده اند. در اینجا کافیسست مثالی از جنگ دوم افغان و انگلیس به عنوان "مشت نمونه خروار" آورده شود:

وقتی جنگ اوران افغانی بر قوای تا دندان مسلح انگلیس حمله نمودند، جنگ از داخل شهر به قلل کوه های کابل کشیده شد. مرحوم میر غلام محمد غبار در صفحات 628 و 629 جلد اول کتاب مستطاب "افغانستان در مسیر تاریخ" خود چنین می نویسد: « قوای انگلیس تاب جنگهای دست و یخن نیاورده توپ خانه خود را در میدان ترک و فرار کردند. تا اینوقت دسته جات قشون شمالی کابل رسیده کوه های خیرخانه و تپه های سیاه سنگ را مجدداً اشغال نمودند. در همین جنگ های جبال کابل بود که مردم بیرق های رنگارنگ برافراشتند و زنان کابل وظیفه آب و نان رسانی مبارزان ملی را در قلل کوه ها بدوش گرفتند. دسته جات زنهای مردانه با کوزه های آب و بسته های نان مثل

آهو در سنگلاخ های جبال میدویدند و جنگ آوران دلیر را تغذیه مینمودند. **چهار صد نفر از زنان کابل در این وظیفه سهم گرفتند و 83 نفر آنان در جنگ کوه آسمانی شهید شدند.**

قصه مهیج عبدالله عاشقان و عارفانی در طی همین جنگهای کوهی بود که بمیان آمد: عبدالله جوان نورسیده از محله عاشقان و عارفان کابل با زهرا دوشیزه همسایه خود نامزد بود. در عصر روز سیزدهم دسمبر مجلس نکاح مختصری در خانه عروس منعقد گردید و شام عبدالله داخل مجلس عروسی شد و مادرش حنا در انگشت او نهاد، در حالی که عروس گفت: "مردان عاشقان و عارفان همه به جنگ فرنگی رفته اند و اینجا عروسی عبدالله است." عبدالله جوان از تخت عروسی برخاست و گفت: "راست گفתי در چنین روزی مرد باید در میدان جنگ باشد نه در محفل عروسی، من رفته ام اگر بر نگشتم زهرا را در دنیای دیگر خواهم دید." عبدالله در خانه خود رفت و سیلاوه و تفنگچه بر داشت و به کوه بر شد. فردا عصر مبارزین عاشقان و عارفانی بعد از آنکه قشون انگلیس تا داخل شیر پور جاروب شده بودند، مرده عبدالله را آوردند و در خانه مادر پیرش گذاشتند. زهرای عروس آمد و تنها انگشت حنا دار عبدالله را ببوسید و به مادرش گفت:

"گریه نکن من تا زنده ام در عوض عبدالله فرزند تو هستم." این دوشیزه چنانیکه وعده داده بود تا بمرد در خانه عبدالله و بنام عبدالله زندگی کرد و نام او در تمام شهر کابل بحیث مثال احترام شد.»

تاریخ مبارزات مردم افغانستان سرشار از همچو جان نثاریهاست که امواج توفنده آن بارها در دامن تاریخ به مستی افتاد و در فوران آن طلیعه آزادی نمایان گردیده است.

صیانت از خاک و آزادی کشور در بعد از شهادت عبدالله با خون هزاران عبدالله و زهرای دیگر در جنگ سوم افغان و انگلیس و در جنگ با روس صورت گرفت که اینک در جنگ با امریکا و ناتو از نو آزمون می گردد.

ای عبدالله! ای راد مرد بزرگ تاریخ که جوانیت را در پای آزادی گذاشتی تا بازماندگان در کشورت سر فراز بزنند، آرام بخواب! تو زنده ای، زنده در بسیط آرمان های بزرگی که برای آزادی داشتی.

ای عبدالله! آرام بخواب! آرام! نام تو جاودانه می ماند.

ای عبدالله! آرام بخواب! هزاران هموطن تو راه ترا ادامه می دهند.

و تو ای عروس زیبا! ای زهرا که جوانی و زیباییت را فدای عبدالله و فدای میهن کردی، برای هزاران بانوی دیگر درس مقاوت، درس قربانی، درس جان نثاری دادی. تنها ملالی و ناهید نه، بلکه هزاران ملالی و هزاران ناهید درس ترا آموخته اند.

و بر تو ای زهرا! ای اسطوره غیرت و مقاوت، و به تو ای زبیده دوران هزاران سلام که به دوشیزگان درس صداقت و وفا دادی. آرام بخواب! درس تو فراگیر شده و بذری که افشانید به بهره رسیده. شما که زندگی را در پای مرگ و جمال و جوانی را در معرض آزادی و نور و روشنایی را بخاطر خاک قربان کردید، جاودانه اید.

روح شما شاد باد ای جفتی که هزاران حرمان در سینه سوخته اید.

ای عبدالله و ای زهرا، شما جاودانه اید.